

مکتب پزشکی شیراز از آل‌بویه تا آغاز صفوی

سید علی رضا گلشنی^{الف و ب*}، سید ابوالقاسم فروزانی^ب، زیبا غفوری^ب، نرگس کونجون^ب

^{الف} دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

^ب گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

وجود و کیفیت سیستم‌های دانش پزشکی در میان تمدن‌های گوناگون نشان از میزان اهمیت و توانمندی پزشکی آن اقوام داشته است. یکی از این سیستم‌ها، مکتب پزشکی شیراز بوده که کمتر مورد توجه مورخان و اندیشمندان متأخر قرار گرفته است. از این‌رو در این مطالعه سعی بر آن است در حد امکان بر اساس منابع موجود به ترسیم وضعیت این مکتب پزشکی، که از دوره دیلمی تا آغاز صفوی ادامه داشته، پرداخته شود. مکتب علمی شیراز که لقب دارالعلمی را به یدک می‌کشد، با دارا بودن مدارس علمی، بیمارستانها و مراکز درمانی و کتابخانه‌های مجهز شهرتی جهانی یافته بود. علما و دانشمندان بزرگی در این مکتب پا به عرصه نهادند که شیوه‌های نوینی در پزشکی ابداع نمودند، و رونق و پیشرفت پزشکی، را سبب شدند. که در این پژوهش به بررسی این مکتب بزرگ پزشکی می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: مکتب، طب، دارالعلم، شیراز، مدارس، بیمارستانها.

تاریخ دریافت: تیر ۹۱

تاریخ پذیرش: شهریور ۹۱

مقدمه:

روی کارآمدن سلسله دیلمی این مکتب پدید آمد و رشد نمود، با دولت اتابکان این رشد به تکامل رسید، زیرا این دولت با سیاستی که نسبت به خوارزمشاهیان و مغولان داشتند، شیراز را مأمن علما، دانشمندان و طبیبان کرده بود. در دوره آل اینجو و آل مظفر تا اندازه‌ای این ویژگی حفظ شد. اما با قدرت‌نمایی تیموراندکی دچار خلل گردید. در این تحقیق به بررسی اوضاع پزشکی شیراز از آغاز شکل‌گیری تا آغاز صفوی می‌پردازیم.

پیشگامان مکتب پزشکی شیراز:

شیراز پس از ویرانی شهر استخر در نخستین سده هجری، نه تنها جای شهر گور (فیروز آباد) به عنوان مرکز اردشیرخوره (که یکی از نواحی پنجگانه در تقسیم بندی اداری پارس بود)

گذشته پر افتخار شیراز بدون شک مرهون حلقه‌های درسی، پژوهشی و مطالعاتی متعددی است که در قالب مکاتب علمی، شکل گرفته و به تربیت شاگردان قابل و پرآوازه دست زده‌اند. شاگردانی که موفق شده‌اند در علوم کاربردی و مهندسی، معماری زیبا و بدیع؛ در علوم پایه، هیئت جهانی؛ در ادب و هنر، استادان بی‌بدیل شعر؛ در فلسفه و حکمت، مکتب فلسفی شیراز، در عرفان و اخلاق و در فقه و علوم دینی و نیز در طب نیز با دانشمندان و اطباء و بسیاری دیگر از اعظام را بپروراند.

این پژوهش اولین تحقیقی است که به بررسی اجمالی مکتب پزشکی و طبی شیراز می‌پردازد. بررسی شرایط ظهور، رونق و افول این مکتب بسیار دارای اهمیت می‌باشد. زیرا با

را گرفت، بلکه دارالحکومه (اقامتگاه والی و مرکز اداری) فارس گردید و از آن پس، گسترش و رونقی روزافزون یافت (۱). یعقوبی، مورخ و جغرافیدان سده سوم هجری، در کتاب جغرافیایی خویش موسوم به البلدان، درباره ویژگی های شیراز در آن روزگار، چنین نوشته است: «شهری است با شکوه و با عظمت که والیان آنجا منزل می کنند و آن را وسعتی است تا آنجا که در این شهر خانه ای نیست مگر آن که صاحب خانه را بوستانی است دارای همه میوه ها و گلها و سبزیها و هر چه در بوستانها می باشد ...» (۲).

بی تردید، شهری که به برکت خاک حاصلخیز و هوای مساعد و آب زلالی که به گفته ابن واضح یعقوبی، از ذوب برف نشسته بر کوه های اطراف، در شهر جاری می شد، بوستانهای فراوان و فرحبخش و باغ هایش گسترده و ثمربخش بود، برای اهالی آن شهر که این مزیت ها را قدر می شناختند، دوست داشتی و دامن گیر بود. شیراز در روزگار حکومت صفاریان در سده سوم هجری در زمره شهرهای طراز اول قرار داشت و مسجد جامعی که به فرمان عمرولیث صفاری^۱ در آن شهر ساخته شد (و هم اکنون با نام مسجد جامع عتیق معروف است)، تا قرنهای شهره آفاق بود. با این همه، در نخستین دهه های سده چهارم هجری، شیراز بیش از پیش اهمیت یافت. این شهر که در آغاز زمامداری عمادالدوله علی^۲ (بنیانگذار سلسله آل بویه^۳)، در سال ۳۲۲ ه. ق به عنوان پایتخت او برگزیده شد، به دلیل موقعیت سیاسی جدید خویش، از آبادانی و رونق فراوان برخوردار گردید (۱).

از زمان سلطنت رکنالدوله^۴ و پس از وی فرزندش عضدالدوله^۵، که شخصاً اهل فضل و دانش بودند، با کمک و استعانت علماء، پزشکان و دانشمندان به ایجاد مدارس، دارالشفاه و کتابخانه ها پرداختند. دعوت عضدالدوله از جبرئیل بن عبیدالله^۶ نوه بختیشوع دوم^۷ از بغداد جهت ریاست بیمارستان عضدی شیراز را می توان نخستین گام در جهت

شکل گیری مکتب شیراز دانست (۳). که بعد از آن ما شاهد رشد دانشمندان و اطبای بزرگی هستیم که در اینجا به بررسی زندگی پزشکان و آثار علمی آنان می پردازیم:

ابوماهر موسی بن یوسف سیار شیرازی^۸، از پزشکان مشهور فارس، است که در قرون سوم و چهارم هجری می زیسته است و تاریخ تولد او معلوم نیست اما محل تولد وی شیراز است. بجز علی بن عباس مجوسی اهوازی^۹، ابوالحسن احمد بن محمد طبری^{۱۰} و ابن مندویه اصفهانی^{۱۱} از شاگردان او هستند. شاگردانش در آثار خود به شاگردی ابوماهر مباحثات می کرده اند. ابوماهر علاوه بر تدریس، به تألیف کتب علمی و طبی ارزشمندی همت گماشت (۱). او اولین پزشکی است که کتابی در آلات جراحی نوشت و از اعمال جراحی سخن به میان آورد. او را می توان بنیانگذار مکتب طبی شیراز دانست که برای نخستین بار در طب اسلامی، طب عملی را همپایه با طب نظری وارد کتب طبی کرده است. مکتب طبی شیراز مکتب خاصی بوده که از مکتب بوعلی سینا^{۱۲} و رازی^{۱۳} جدا است، نگاهی به تألیفات صورت گرفته این مکتب توجه به اهمیت اعمال جراحی و طب عملی را نشان می دهد. از تألیفات ابوماهر شیرازی می توان به رساله در آلات جراحی، کتاب چهل باب در جزء نظری و عملی، کتاب فی السئه الضروریه، مقاله در فصد و تعلیقات بر کتاب اغلوتن جالینوس^{۱۴} اشاره کرد. تاریخ وفاتش معلوم نیست (۴).

ابوعلاء شیرازی در بین پزشکان دربار آل بویه^{۱۵} بسیار مشهور بوده است، او ابتدا پزشک لشکریان عضدالدوله دیلمی بوده است، اما بعد عضدالدوله، وی را به عنوان پزشک مخصوص شرفالدوله^{۱۶} برگزید و چون شرفالدوله به بیماری صعب العلاجی دچار شد و درگذشت، عده ای از حاسدان وی را متهم به تساهل و تعلل کردند و او با دلتنگی تمام شیراز را به سمت بصره ترک کرد و در بین راه مریض شد

⁸ - Abu Maher Moses ben Joseph Sayar Shirazi.

⁹ - Ali ibn Abbas Majusi Ahwazi.

¹⁰ - Abu-l-Hasan Ahmad ibn Mohammad Tabari.

¹¹ - Ibn Mndvyh Isfahani.

¹² - Abu Ali Sina.

¹³ - Razi.

¹⁴ - Galen.

¹⁵ - Buyids.

¹⁶ - Sharaf al-Dawla.

¹ - Amr-i Laith Saffari.

² - Imad al-Dawla Ali.

³ - Buyid dynasty.

⁴ - Rukn al-Dawla.

⁵ - Azod od-Dowleh.

⁶ - Gabriel bin Ubaidullah.

⁷ - Bukhtishu II.

السرسام و البرسام و مداواتها ۱۱- کتاب القولنج و اصنافه و مداواتها و الادویه النافعه منه ۱۲- کتاب فی البرص و البهق و مداواتها ۱۳- کتاب الآخر فی الصرع. او در حدود سال ۳۶۰ درگذشت (۱).

حسن فسایی^{۲۶}، از طبیبان و دانشمندان تربیت یافته گان مکتب پزشکی شیراز می باشد، وی از اطباء بهاءالدوله پسر عضدالدوله است. تاریخ وفاتش را سال ۳۹۸ دانسته اند (۵).

روند تکاملی مکتب پزشکی شیراز:

در سال ۵۴۳ هجری اتابک سنقر بن مودود سلغری^{۲۷} یکی از امرای ترکمن^{۲۸} که قبلاً در خدمت سلجوقیان^{۲۹} بود، در فارس طغیان کرد و با شکست دادن ملکشاه دوم^{۳۰} پسر سلطان محمود سلجوقی^{۳۱} قدرت را در شیراز به دست گرفت. تا سال ۷۲۵ هجری در حدود ۱۸۰ سال اتابکان^{۳۲} با درایت به اداره شیراز و فارس پرداختند (۶).

اتابک مظفرالدین ابوشجاع سعد بن اتابک زنگی^{۳۳} و اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد بن زنگی^{۳۴} این پدر و پسر نسبت به عمران و آبادانی شیراز بسیار کوشیدند، که از جمله اقدامات عمرانی اتابک ابوبکر، بیمارستانی است که در شیراز که به دارالشفاي مظفری معروف بوده است، مولانا ضیاءالدین مسعود بن مصلح کازرونی^{۳۵}، پزشک معروف این بیمارستان محسوب می شده است. در این بیمارستان، بیماران مجاناً معالجه می شدند، غذا و دارو می دادند (۷).

اتابک ابوبکر در دوران حکمرانی اش با درایت خطر مغولان^{۳۶} را نزدیک دید، وی با فرستادن برادرزاده اش تهمتن^{۳۷} به دربار اوکناي قآن^{۳۸} (فرمانروای مغولان)، و پرداخت ۳۰ هزار دینار زر سرخ خراج، به انقیاد مغولان درآمد.

و درگذشت (۱). در مورد وی آورده اند، که وی اولین کسی بود که در عالم طب پی به تأثیر مواد ارسینکی در درمان مالاریا و تب نوبه برد و به نتیجه عالی رسیده است. در کتابخانه مدرسه نواب مشهد کتابی در طب با عنوان «بیان و تبیین» موجود است که آنرا به وی نسبت می دهند (۵).

ابن عجم^{۱۷} طبیب فارسی در علم نجوم، طب و فلسفه تبحر داشته است، و با سلاطین آل بویه معاصر بوده است، او را به خاطر نقل این مطلب در رساله ای که حکما قبل از اسلام در حرکت و کروی بودن زمین نظر داشته اند و اینکه افتخار نقل این مطلب را بی جهت به کپرنیک^{۱۸} داده اند، و دیگری جواب سؤالهای ابوریحان بیرونی^{۱۹} در موضوع افلاک و ثوابت و سیارات می باشد. از ویژگیهای خاص درمانی و طبی این دانشمند بزرگ گزارشی نشده است (۱۲).

ابوالحسن فارسی^{۲۰} طبیب و کاتب بصره در دوران سلطنت بهاءالدوله^{۲۱} می باشد. محمد تقی میر^{۲۲} در کتاب پزشکان نامی پارس از وی، کتابی در پزشکی با عنوان کلیات طب که به اتمام نرسیده است، نام می برد (۵). ابوسهل ارجانی^{۲۳} طبیب عمادالدوله مرزبان دیلمی^{۲۴} نوه عضدالدوله می باشد، از وی اثری در دست نیست (۵).

ابوجعفر احمد ابن محمد بن ابی الاشعث^{۲۵}، از پزشکان سده چهارم هجری است و صاحب تألیفات بسیاری در زمینه پزشکی و حکمت می باشد، وی ابتدا در فارس ساکن بوده اما به موصل رفته و در آنجا به درمان بیماران، تدریس و تألیف مشغول گشته است. که در اینجا چند مورد از تألیفات وی را نام می بریم: ۱- کتاب الامراض معده و مداوای آن ۲- شرحی بر کتاب الفرق و الحمیات جالینوس ۳- کتابی در مالیخولیا (روانشناسی) ۴- کتابی در صرع ۵- کتابی در استسقاء ۶- کتابی در ترکیب الادویه ۷- کتاب داروشناسی مفردة ۸- کتاب الحيوان ۹- کتاب الجدری و الحصبه والحميقاء ۱۰- کتاب در

²⁶ - Hassan Fsyy.

²⁷ - Atabak Sungur Ibn Mawdud Salguri.

²⁸ - Turkmen.

²⁹ - Seljuqs.

³⁰ - Malik-Shah II.

³¹ - Sultan Mahmud Seljuqi.

³² - Atabaks.

³³ - Atabak Muzaffar al-Din Abushja Sa'd ibn Atabak Zangi.

³⁴ - Atabak Muzaffar al-Din Abu Bakr ibn Sa'd Ibn Zangi.

³⁵ - Mewlana Zia' al-Din Mas'ud Ibn Mosleh Kazeruni.

³⁶ - Mongols.

³⁷ - Tahmtan.

³⁸ - Ogedei Khan.

¹⁷ - Ibn Ajym.

¹⁸ - Copernicus.

¹⁹ - Abu Rayhan Biruni.

²⁰ - Abualhossin Farsi.

²¹ - Baha al-Dawlah.

²² - M.T Mir.

²³ - Abu Sahl Arjaani.

²⁴ - Imad al-Dawla Marzban.

²⁵ - Abu Ja'far Ahmad ibn Muhammad ibn Abi Alashs.

از جانب اوکتای، «قتلغ خان» ملقب گردید و همچنین فارس را از آتش فتنه مغولان رهانید (۶). این اقدام اتابک ابوبکر علاوه بر اینکه سبب شد که بسیاری از علما، دانشمندان و طبیبان شیرازی جان خود را به خاطر حمله مغول از دست ندهند، بلکه بسیاری از علما و دانشمندان سایر نقاط ایران که با حمله مغول آواره شده بودند. مأمی در فارس و شیراز جهت آرامش یابند و این دوره با شکوفایی باعث رونق دارالعلم شیراز گشت. در اینجا به بررسی زندگی پزشکان و آثار علمی آنان در جهت تکمیل رشد مکتب پزشکی شیراز می‌پردازیم:

ابوالفرج عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله شیرازی^{۳۹} از پزشکان نامی قرن ششم هجری است. دو کتاب خلاصه الکلام فی تأویل الاحلام در بیست و چهار باب در طب و کتابی در بحث عشق و مسائل جنسی و تقویت قوه بقاء از خود به جا گذاشته است (۵).

کمال‌الدین ابوالخیر مصلح المتطبیب شیرازی^{۴۰} یکی از حکما و پزشکان مشهور عصر اتابکان^{۴۱} بود و از شاگردان مشهور او می‌توان از علامه قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و شیخ زین‌الدین علی^{۴۲} فرزند شیخ الاسلام عزالدین مودود زرکوب شیرازی^{۴۳} را نام برد. این حکیم بزرگوار پس از عمری تدریس در سال ۶۵۹ در شیراز وفات یافت و در بقعه باهلیه مدفون شد (۵).

علامه قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی^{۴۴}، در سال ۶۳۴ در شیراز متولد شد، وی فرزند ضیاء‌الدین مسعود بن مصلح پزشک معروف دارالشفای مظفری شیراز است. وی مانند دیگر اعضای خانواده‌اش به کسب علم طب پرداخت، وی در سایه تربیت پدرش رشد یافت و پس از فوت پدرش در سن ۱۴ سالگی به مدت پانزده سال چشم‌پزشک و رئیس بیمارستان دارالشفاء مظفری بود. آنگاه به نزد علمایی خارج از شیراز چون مولانا شمس‌الدین محمد بن احمد کیشی و شرف‌الدین بوشکانی^{۴۵} رفت و به صورت یکی از پرآوازه‌ترین

و تابناکترین علمای عصر خویش درآمد. علامه قطب‌الدین دارای تألیفات بسیاری در طب، ریاضیات، نجوم، فیزیک، فلسفه، تفسیر است. سرانجام این دانشمند فرزانه پس از عمری تحقیق و تدریس در سال ۷۱۰ در تبریز درگذشت و در قبرستان چرنداب به خاک سپرده شد (۷).

از آناری که وی تقدیم مکتب پزشکی شیراز کرده است می‌توان به کتاب تحفه السعیدیه در شرح کلیات قانون ابن سینا و رساله فی بیان الحاجت الی الطب و آداب الاطباء و وصایا و رساله‌ای در درمان بیماریهای چشم و تفسیر بر ارجوزه ابن سینا اشاره کرد (۵)(۳).

شمس‌الدین مولانا عمر بن مظفر ابوالمفاخر شیرازی^{۴۶}، عالم، فقیه، منجم، طبیب و شاعر در سال ۵۵۹ در دارالعلم شیراز دنیا آمد و در همین شهر به فراگیری علوم متداول پرداخت. از تألیف وی در علم طب می‌توان به کتاب منهای الاریب فی الحتیاج الی الطبیب اشاره نمود. وی در سال ۶۳۲ دارفانی را وداع گفت و در قبرستان شیرویه مدفون گردید (۸). مولانا شمس‌الدین محمد بن احمد کیشی^{۴۷} از علما و دانشمندان قرن هفتم هجری است. از شاگردان وی می‌توان به علامه حلی^{۴۸} و علامه قطب‌الدین شیرازی و از مصاحبینش می‌توان به خواجه نصیرالدین طوسی^{۴۹}، سعدی شیرازی^{۵۰}، مجدالدین همگر^{۵۱} و بهاء‌الدین محمد جوینی^{۵۲} اشاره کرد. وفاتش با سعدی علیه‌الرحمه همزمان بوده و در سال ۶۹۴ در محله دزک شیراز اتفاق افتاده است.

در کتاب تذکره هزار مزار از طبیب مولانا معین‌الدین بن ابی‌سعد^{۵۳} متوفی هفتصد و اندی سخن به میان آمده است، مدفن وی را در نزدیکی قبر شیخ کبیر ابوعبدالله محمد ابن خفیف^{۵۴} آورده‌اند (۸).

46 - Shams al-Din Mawlana Omar Ibn Muzaffar Abu Almfakhr Shirazi.

47 - Mawlana Shams al-Din Muhammad ibn Ahmad Kyshy.

48 - Allamah Hilli

49 - Khawaja Nasir al-Din Tusi.

50 - Saadi Shirazi.

51 - Majd aldin Hmgr.

52 - Bahaeddin Mohammad Joanne.

53 - Tabib Mawlana Moinuddin ibn Abi Saad.

54 - Sheikh Kabir Abu Abdullah Muhammad ibn Khaffi.

39 - Abvalfrj Abdulrahman bin Nasser bin Abdullah Shirazi.

40 - Kamal al-Din Abvalkhyr Mosleh Almttbb Shirazi.

41 - Atabaks.

42 - Shaikh Zainuddin Ali.

43 - Sheikh al-Islam Izz al-Din Mawdudi Zrkvb Shirazi.

44 - Allamah Qutb al-Din Mahmud Ibn Mas'ud Shirazi

45 - Sharaf al-Din Bvshkany.

وی همچنین رئیس بیمارستان اتابکی بود که در دارالسلام شیراز قرار داشت و به خاطر اهمیت این بیمارستان به دستور خواجه رشیدالدین فضل الله^{۶۱} موقوفاتی در رامجرد، بیضا، فیروزآباد و کربال فارس مجری پرداخت هزینه‌های این بیمارستان کرد. این حکیم فرزانه به قول صاحب فارسنامه ناصری در سال ششصد و نود و اندی وفات یافت (۵)(۸).

دوره آل اینجو، آل مظفر و تیموری:

این دوره پرآشوب که به عصر حافظ^{۶۲} نیز مشهور است، شاهد فرمانروایان نامی چون شاه شیخ ابواسحق اینجو^{۶۳} و سلاطین مظفری امیر مبارزالدین محمد^{۶۴}، شاه شجاع، سلطان زین‌العابدین و شاه منصور^{۶۵} و در پایان امیر تیمور گورکانی^{۶۶} مقارن بوده است (۱). اما با این همه آشوب و تغییر قدرت باز مکتب طبی شیراز به کار خود ادامه داد، در اینجا به ذکر تعدادی از این دانشمندان می‌پردازیم:

علی بن حسین الانصاری^{۶۷} مشهور به حاج زین‌العطار، از پزشکان و داروسازان نامی زمان شاه شجاع مظفری است، وی در سال ۷۳۰ هجری متولد شد، از تألیفات وی می‌توان به کتاب "اختیارات بدیعی در مفردات طب"، تحفه السلاطین در کالبدشناسی و مفتاح الخزائن اشاره کرد. او در سال ۸۰۶ هجری در شیراز درگذشت (۵)(۳).

علی بن محمد بن عبدالله منطبق ابزری^{۶۸}، از پزشکان دوره تیموریان^{۶۹} در شیراز است. از آثار وی می‌توان به الایضاح در کلیات، الدستور در جزئیات، گزیده از جامع کبیر ابن بیطار اندلسی^{۷۰} در ادویه مفرده، اصول التراکیب و القربادین و المختصر فی الطب اشاره کرد. از سال وفاتش اطلاعی در دست نیست (۵).

خاندان الیاسی^{۵۵} یکی از خاندانهای شیرازی که در بیشتر علوم و بویژه علم پزشکی سرآمد بوده‌اند، به خاندان الیاسی اشتهاار دارند. این خاندان از دوره اتابکان سلغری تا قاجار امتداد داشته‌اند. در اینجا به ذکر چند نفر از این خاندان می‌پردازیم:

۱. مولانا جلال‌الدین احمد بن یوسف بن الیاس شیرازی^{۵۶}، از پزشکان عالم و شاعر دوره اتابکان است. وفاتش را در کتاب شدالازار سال ۶۴۴ ثبت گردیده است (۸).

۲. منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس^{۵۷}، یکی از افراد خاندان دانشور الیاسی است و از پزشکان مشهور قرن هشتم در شیراز است. وی کتابی در پزشکی به تحریر درآورد که آن را به نام مجاهدالسلطنه و الدین سلطان زین‌العابدین بن شاه شجاع^{۵۸} «کفایه مجاهدیه» قرار داده است. این کتاب شامل دو فن است: فن اول در دو قسم طب نظری و عملی، فن دوم در ذکر ادویه مفرده و مرکبه می‌باشد. از این طبیب کتابی با عنوان تشریح منصوری که به امیرزاده پیرمحمد بن عمر شیخ^{۵۹} تقدیم کرده است، این کتاب با تصاویر به ذکر تشریح بدن می‌پردازد. از تاریخ وفات این طبیب بزرگ اطلاعی در دست نیست (۷)(۵).

۳. نجم‌الدین محمود بن صائن‌الدین الیاس شیرازی^{۶۰} عالم طبیب و فقیهی فرزانه بود و در اقسام علوم و فنون زمان خود دست داشت. حاوی صغیر یا الحاوی لعلم التدوی که به اشتباه آنرا به رازی منتسب می‌کنند از اوست، این کتاب بعد از قانون بوعلی سینا و کتاب کامل الصناعه اهوازی و حاوی کبیر زکریای رازی از منابع پرارزش علم پزشکی است. از دیگر آثار گران سنگ وی می‌توان به شرح الفصول البقراط، الرشیدی، کتاب التشریح، کتاب الاغذیه و الاشربه، الرساله الثلجیه و کتاب اسرار النکاح اشاره کرد. وی همچنین کتابی با عنوان طب غیائی یا الغیائییه دارد که شامل چهار مقاله است، دو مقاله در شرح تشخیص و شرح بیماری و دو مقاله در درمان بیماری می‌باشد.

⁶¹ - khajeh Rashid al-Din Fadhl-allah.

⁶² - Hafez.

⁶³ - Shah Sheikh Abu Es'haq Aynjo.

⁶⁴ - Amir Mbarzaldyn Muhammad.

⁶⁵ - Shah Mansor.

⁶⁶ - Emir Timur Gurkani.

⁶⁷ - Ali Ibn Hossein Al-Ansar.

⁶⁸ - Ali Ibn Muhammad Ibn Abdullah Montbb Abzry.

⁶⁹ - Timurid.

⁷⁰ - Ibn Betar Andalusia.

⁵⁵ - Elyasi.

⁵⁶ - Mewlana Jalal ad-Din Ahmad ibn Yusuf ibn Ilyas Shirazi.

⁵⁷ - Mansur ibn Muhammad ibn Ahmad ibn Yusuf ibn Ilyas.

⁵⁸ - Zine El Abidine ibn Shah Shuja.

⁵⁹ - Pir Muhammad ibn Umar Sheikh.

⁶⁰ - Najm al-Din Mahmood ibn Sayn al-Din Ilyas Shirazi.

محمود بن محمد بن عبدالله بن محمود بن عبدالله بن محمود طبیب شیرازی^{۷۱} از اطباء و دانشمندان قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است و از شاگردان علامه جلال‌الدین دوانی^{۷۲} بوده است. از وی کتابی در طب بنام تحفه خانی باقی مانده است. وفاتش در سال نهصد و سی و دو بوده است (۵). مولانا میرزا جلال‌الدین احمد طبیب شیرازی^{۷۳}، طبیب، صوفی و شاعر بنام قرن هشتم و از معاصرین شاه شجاع مظفری است. متوفی سال ۷۴۴ هجری قمری می باشد (۹).

مدارس، بیمارستانها و کتابخانه های دارالعلم شیراز:

مدارس و حوزه های علمی: هر تمدنی در جهت شکوفایی علم و فرهنگ نیازمند داشتن کتابخانه های مجهز و مدارس علمی است. این دو خاصیت در حوزه دارالعلم شیراز نمود یافته بود در اینجا به ترتیب به ذکر اجمالی این دو حوزه یعنی مدارس و کتابخانه های شیراز در طول تاریخ می پردازیم: مدرسه منصوریه: این مدرسه در بازارچه ای به همین نام واقع در جنوب شاهچراغ (ع) و در کوچه ای منشعب از طرح بین الحرمین قرار دارد. محله ای که مدرسه در آن واقع شده است به محله لب آب مشهور است و یکی از محله های قدیمی شیراز است.



(تصویر ۱- مدرسه منصوریه شیراز)

مدرسه منصوریه در سال ۸۸۳ (ه. ق.) توسط امیر صدرالدین محمد دشتکی شیرازی^{۷۴} ساخته شده و چون نام فرزندش غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی^{۷۵} بوده است، لذا مدرسه را بنام او منصوریه نامیده است. صدرالدین در روز

جمعه ۱۲ رمضان سال ۹۰۳ (ه. ق.) به فرمان قاسم بیک پرناک^{۷۶}، به اتهام تحریک مردم به آشوب، به دست ترکمانان، پس از ۷۶ سال زندگی به قتل رسید، و در این مدرسه دفن گردید (۱۰). فرزند وی، غیاث الدین منصور نیز پس از عمری تلاش و کوشش علمی، در سال ۹۴۸ هجری و در همین مدرسه مدفون شده است (۱۱). در حال حاضر طلاب علوم دینی در این مدرسه مشغول تحصیل هستند.

مدرسه اتابک قراچه روبروی مدرسه خزاریه. مدرسه خزاریه توسط ابوطاهر محمد بن عبدالله بن الحسین افزاری متوفی ۴۹۲ ه. ق. حوالی مسجد جامع عتیق ساخته شده بود. مدرسه اتابک منکو برس در جوار مرقد ام کلثوم، بیرون باروی شیراز حدود خاتون.

مدرسه ابونصر لا لا بنام لالائییه در دروازه استخر شیراز. مدرسه زاهده (عصمتی)، ساخته شده توسط زاهده خاتون همسر اتابک بزابه.

مدرسه تاجی ساخته شده بوسیله تاج الدین شیرازی وزیر فارس در زمان اتابک بزابه. مدرسه سنقریه توسط اتابک مظفرالدین سنقر بن مودود سر دودمان اتابکان فارس.

مدرسه امینی در حوالی مسجد جامع عتیق ساخته شده توسط امین الدوله وزیر دانشمند اتابک تکه. مدرسه اتابکی توسط اتابک مظفرالدین قتلغ خان ابوبکر بن سعید فرزند اتابک سعد بن زنگی (۱).

مدرسه امیر مقرب الدین وزیر اتابک مظفرالدین قتلغ خان بنام مدرسه مقرب.

مدرسه فخری که امیر فخرالدین ابوبکر وزیر دیگر اتابک مظفرالدین نزدیک خانه اتابک ساخته بود.

مدرسه شاهی ساخته شده توسط شاهزاده کردوچین دختر آتش خاتون در جوار ارگ اتابک.

مدرسه مسعودیه بوسیله ملک جلال الدین مسعود شاه پسر شاه محمود اینجو ساخته شده است. احمد بن ابی الخیر زركوب شیرازی نویسنده کتاب شیرازنامه، در این مدرسه تدریس می کرده است.

⁷¹ - Mahmoud Ibn Mohammad Ibn Abdullah Ibn Mahmoud Ibn Abdullah Mahmoud Tabib Shirazi.

⁷² - Allamah Jalaluddin Davani.

⁷³ - Maulana Mirza Jalaluddin Ahmed Tabib Shirazi.

⁷⁴ - Amir Sadr al-Din Muhammad Dashtaki Shirazi.

⁷⁵ - Ghiyathoddin Mansur Dashtaki Shirazi.

⁷⁶ - Qasm Bic Pnak.

بیمارستان مظفری پس از فوت آبش خاتون، آخرین فرمانروای اتابکان فارس وضعیت اسفباری به خود گرفت. اما به دستور رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر کاردان ایلخانی، با اضافه شدن موقوفات و مقادیر زیادی پول و اجناس با ارزش و انتخاب محمود بن الیاس شیرازی به مدیریت این بیمارستان بار دیگر رشد و شکوفایی به این مرکز پزشکی بازگشت (۱۵). متأسفانه عمر بیمارستان مظفری نیز کوتاه بوده است و با قتل خواجه رشیدالدین فضل الله در سال ۷۱۸ هجری، کلیه اموال و موقوفات به تاراج رفته است و این بیمارستان به کلی ویران شده است (۱۵). البته در دوره اتابکان به جز بیمارستان مظفری دو بیمارستان با نامهای بیمارستان امیر مقربالدین و فخرالدین ابوبکر از وزرای کاردان اتابک ابوبکر بن سعد در شیراز بنا شده است (۱۵).

۳- دارالشفای شاه شجاع: این بیمارستان به احتمال قوی به جای بیمارستان مظفری، توسط شاه شجاع در سال ۷۷۷ هجری بنا شده است. شاه شجاع مدیریت این بیمارستان را برعهده حکیم بلند آوازه‌ای چون سید شریف‌الدین جرجانی^{۷۷} قرار داده بود (۱۷). از این بیمارستان تنها قبر سید شرف‌الدین جرجانی باقی مانده است (۱).



(تصویر ۲- مقبره سید شرف‌الدین جرجانی)

۴- بیمارستانهای دوره تیموریان: در دوره تیموریان نیز بنا به توصیه شخص تیمور در مستقر بودن هر بیمارستانی در هر شهری، همچنان بیمارستانهای عضدی، امیر مقرب‌الدین شیرازی و دارالشفای شاه شجاع دائر بوده است (۱۵).

مدرسه مجدیبه که شیخ قاضی امام مجدالدین اسماعیل در سده هشتم هجری ساخته بود.

مدرسه دارالشفای که احداث آنرا به شاه شجاع نسبت داده‌اند، و مدرس آن سید شریف جرجانی بوده است (۱۲).

از دیگر مدارس شیراز که در تاریخ ذکری به میان آمده است، مدارس زیر را می‌توان نام برد:

- ۱-مدرسه امامیه ۲- مدرسه ایمانیه ۳- مدرسه بنجیر خوزی
- ۴- مدرسه ملکه تاشی خاتون(مادر شیخ ابواسحق اینجو)جنب بقعه شاهچراغ ۵- مدرسه تقویه ۶- مدرسه حاجی میرزا قاسم
- ۷- مدرسه حبیبیه ۸- مدرسه خنجیه ۹- مدرسه دشتکیه ۱۰- مدرسه رضویه ۱۱- مدرسه رفیعی(بنای فقیه مشرف‌الدین وزیر) ۱۲-مدرسه عضدی (ترکان خاتون) ۱۳- مدرسه زینتیه(زینبیه) ۱۴- مدرسه سادات طویل ۱۵- مدرسه سامیه
- ۱۶- مدرسه شریفیه ۱۸- مدرسه صاعدیه ۱۹- مدرسه محبیه(میرزا علی اکبر) ۲۰- مدرسه محسنیه ۲۱- مدرسه مغربی ۲۲- مدرسه محسنیه ۲۳- مدرسه اتابک منکوبرس ۲۴- مدرسه مؤمنیه ۲۶- مدرسه نصریه ۲۷- مدرسه هاشمیه (۱۳).

بیمارستانها:

۱-بیمارستان عضدی: این بیمارستان به دستور عضدالدوله دیلمی در شیراز، احتمالاً در حدود سالهای ۳۶۰ تا ۳۶۲ هجری، قبل از عزیمت عضدالدوله به بغداد تأسیس شده است (۱۴). به گفته مقدسی بسیار مجهز بوده و موقوفات فراوانی به آن تعلق گرفته بود و پزشکان ماهر، پرستاران و کارمندان بسیاری به فعالیت در این بیمارستان مشغول بوده اند (۱۴). بنا به گفته حمدالله مستوفی در نزهه القلوب(تألیف ۷۴۰ هـ ق) و زرکوب شیرازی در شیرازنامه (تألیف ۷۶۵ هـ ق) به صراحت بر دائر و فعالیت این بیمارستان تا قرن هشتم دلالت می‌نمودند (۱۵).

۲- بیمارستان مظفری: این بیمارستان بنا به گفته زرکوب شیرازی به دستور اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد زنگی در ناحیه دروازه سلم در جنوب و شرقی شیراز و در محله لب‌آب ساخته شده است (۱۵).

⁷⁷ - Seyyed Sharif Uddin Jarjani.

کتابخانه ها:

۱- کتابخانه عمادالدوله دیلمی: علی بن بویه پس از استقرار در شیراز در سال ۳۲۲ هجری به تأسیس کتابخانه ای در کاخ مجللش دستور داد. ظاهراً این کتابخانه جزء قدیمی ترین کتابخانه های ایران است (۱۷).

۲- کتابخانه عضدالدوله: عضدالدوله پس از استقرار به حکومت شیراز در سال ۳۳۸ و به دنبال اقدامات اصلاحی عمومیش عمادالدوله به عمران و آبادی شیراز پرداخت. از جمله اقدامات عضدالدوله تأسیس کتابخانه ای بود، که مقدسی آن را در سال ۳۷۵ دیده و آن را اینطور توصیف می کند: در میان کاخ مجلل عضدالدوله، کتابخانه ساختمانی جداگانه دارد، که زیر نظر یک سرپرست و یک کتابدارو یک ناظر از نیکوکاران شهر اداره می شود. هیچ کتابی نیست، مگر نسخه ای در آن باشد. در ضمن عضدالدوله به تأسیس کتابخانه در شهرهای بصره، نجف الشرف و رامهرمز پرداخت که مقدسی در کتاب خود از آنها نام برده است (۱).

۳- کتابخانه شرف الدوله: این کتابخانه توسط شرف الدوله ابوالفوارس پسر عضدالدوله بنا گردید، و اوقاف بسیاری برای آن قرار داد، و ابو محمد عبدالله محمد بن احمد بن سلمان فزاری قاضی بغداد را به متولی آن کرد، و تا قرن هشتم هجری خاندان فزاری متولی این کتابخانه بودند (۱۷).

۴- کتابخانه مدرسه سعد: با بنای این مدرسه توسط سعد بن زنگی، کتابخانه ای نیز در آن دایر شد.

۵- کتابخانه بهاءالدوله دیلمی: این کتابخانه توسط بهاءالدوله پسر عضدالدوله بنا گردید، مدتی ریاست این کتابخانه برعهده ابن بواب خطاط مشهور متوفی ۴۱۳ هجری بوده است (۱).

۶- کتابخانه مدرسه فخرالدین ابوبکر: این مدرسه و کتابخانه توسط فخرالدین ابوبکر حوائجی از وزیران اتابک ابوبکر بن سعد بنا گردید، و املاک بسیاری نیز وقف آن گردید. کتابخانه این مدرسه به خاطر حضور دانشمندان و فقیهان و تشکیل جلسات بسیار دارای اعتبار زیادی بوده است (۱).

۷- کتابخانه مدرسه عضدی: این مدرسه و کتابخانه توسط ترکان خاتون دختر قطب الدین محمود اتابک یزد و همسر

ابوبکر بن سعد بنا گردید، و املاک بسیاری نیز وقف آن گردید (۱۷).

۸- کتابخانه مدرسه دارالشفاء: این مدرسه و کتابخانه توسط شاه شجاع مظفری در سال ۷۵۷ هجری در محله لب آب شیراز بنا گردید، از اساتید مشهور این مدرسه می توان از میرسید شریف جرجانی صاحب صرف میر اشاره کرد (۲).

۹- کتابخانه مدرسه صاعديه: این مدرسه و کتابخانه توسط رکن الدین صاعد، وزیر امیر مبارزالدین و شاه شجاع در سال ۷۶۲ هجری بنا گردید، و به مدرسه بسحاقیه شهرت یافت (۱۷).

۱۰- کتابخانه مدرسه جنید شیرازی: این کتابخانه معتبر توسط شیخ صدرالدین جنید شیرازی بنا گردید، و بعضی از نسخه های آن را در سال ۷۷۵ هجری استنتاج، کتابخانه آستان قدس رضوی گردید (۱).

۱۱- کتابخانه پیرمحمد بن عمر شیخ: این کتابخانه توسط میرزا پیرمحمد بن عمر شیخ فرزند تیمور در شیراز بنا گردید، وی در شیراز مشوق نقاشان و خوشنویسان نامی بود، به تهیه نسخه های کتاب و گردآوری آن به تکمیل کتابخانه کمک شایانی کرد (۱).

۱۲- کتابخانه ابراهیم سلطان: این کتابخانه توسط ابراهیم سلطان، حاکم قرن دهم هجری شیراز بنا گردید، وی خط ثلث را بسیارخوش می نوشت، و به کتاب عشق می ورزید، و مشوق نقاشان و خوشنویسان بود، و به تهیه نسخه های خطی کتاب بسیار علاقمند بود (۱).

۱۳- کتابخانه هرمز اسکندربن عمر شیخ: این کتابخانه توسط هرمز اسکندر بن عمر شیخ بنا گردید، و «مولانا معروف» شاعر و خوشنویس را متولی آن ساخت (۱).

۱۴- کتابخانه خاندان دشتکی: این کتابخانه متعلق به خاندان دشتکی است، آنها دانشمندانی بودند، که از خود کتابخانه ای معتبر باقی گذاشتند، که نسل اندر نسل در خانواده آنها باقی مانده بود. در اثر بعضی از سوانح بعضی از این کتابها از بین رفت، و تعدادی از آنها به کتابخانه مدرسه منصوریه منتقل گردید (۱۷).

۱۵- کتابخانه مدرسه منصوریه: این مدرسه و کتابخانه توسط صدرالدین دشتکی در سال ۸۸۳ هجری بنا گردید، و املاک متعددی برایش وقف گردید (۱۷).

نتیجه گیری:

در مورد مکتب پزشکی شیراز می توان گفت که به طور کلی مکتب شیراز چهار دوره نونهالی، جوانی، میانسالی و در آخر پیری و انحلال را تجربه کرد. بر مبنای تاریخنگاری تاریخ شیراز، دوره اول از آغاز شکل گیری شیراز تا پایان آل بویه، دوره دوم از اتابکان سلجری تا حمله تیمور و دوره سوم از شروع فرمانروایی صفویه تا پایان این سلسله و دوره چهارم از افشاریه تا قاجاریه را شامل می شود. که در این پژوهش به بررسی دو دوره اول پرداختیم.

مکتب پزشکی شیراز، یکی از مکاتب علمی ایران است، که کمتر به آن توجه شده است، این مکتب در حدود ۱۰۰۰ سال

در درمان و آموزش علم طب پیشقدم بوده است. تبحر علمی اطباء و پزشکان شیراز، تنها به این شهر منحصر نبوده علاوه بر ایران، حتی بر سرزمین هندوستان نیز تأثیر نهاده است. تا آنجا که هرکس علم طب را در شیراز فراگرفته بود، در سایر سرزمینهای اسلامی، ارزش و اعتباری دو چندان داشت.

در ارتقاء علم طب در شیراز تشویق مادی و معنوی پادشاهان و حکام شیراز و فارس بسیار مؤثر بوده است، وقف و تعیین موقوفه برای آموزش طب، ساخت مدارس علمی، احداث بیمارستانها و درمان مجانی بیماران از نکاتی بود که در رونق این مکتب علمی در شیراز مؤثر بوده است. ویژگی فرهنگی و علم دوستی مردم این شهر نیز از عوامل تأثیرگذار بوده است.

REFERENCE:

1. Golshani, Seyyed Ali Reza. Amir Seyyed Fathollah Shirazi, a physician, historian and politician in Indian Mughal Empire (Gürkân) court. Res Hist Med 2012 Aug; 1(3): 20-224. [in Persian]
2. Yaqubi, ibn vazh Ahmad ibn Abi Yaqub: Al-Buldan. Translation: Mohamed Ibrahim Ayatee, Tehran: Translation and Publication Book, 1956, 142. [in Persian]
3. Elgood, Cyril lloyd. Medical history of Persia and the eastern caliphate. Translated by Forghani B. Tehran: Amir Kabir. 2007, 158-410. [in Persian]
4. Golshani, Seyyed Ali Reza. Abu Maher Shirazi: The Founder of Shiraz Medical Doctrine. Res Hist Med 2012 Feb; 1(1): 82-85. [in Persian]
5. Mir, Mohammad Taqi. Pars famous physicians. Shiraz: Shiraz University Press. 1984, 10-233. [in Persian]
6. Foruzani, Seyyes Abulghasem. Shiraz Shahre Raz, Tehran: Book comes, 1997, 30-32. [in Persian]
7. Khubnazar, Hassan., History of Shiraz (from the beginning to the beginning of the reign of Karim Khan Zand), the effort: Dr Ja'far Moayed moaeed Shirazi, Tehran: sokhan, 2002, 228-582. [in Persian]
8. Junayd Shirazi, Eesa. Tazkareh Hezar Mazar, edition: Norani Vesal, Shiraz: Library Ahmadi, 1986, 19-322. [in Persian]
9. Rknzadh Adamiyat, Mohammad Hossin: Scientists and Skhnsrayan Fars (the Taeb to Zin-Alatar). Volom 2, Tehran: bookstores Islamieh And Khayyam, 1959, 107. [in Persian]
10. Hosseini Fasay, Mirza Hasan. Farsnamh Naseri, Volume 1, Tehran, 1936, 86. [in Persian]
11. Forsat Shirazi (Frstaldwlh), Mohammad Nasir, Asar Ajam, Mumbai, 1976, 459.
12. Sami, Ali. Shiraz Shhreh javydan, Shiraz: Naved, Third Edition, 1988, 588-589.
13. Behrozi, Ali Naqi, History of libraries, press and printing Pars, Shiraz: Association of Public Libraries in Shiraz, 1972, 40-41. [in Persian]
14. Maqdisi, Muammad ibn Amad. Asan al-taqāsim fī marifat al-aqālīm. Translate Alinaghi Monzavi, Tehran: Inc translators and authors, 1983, 641-642. [in Persian]
15. 15- Tajbakhsh, Hassan. History of Hospitals (from the beginning to the present day), Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, 2001, 92-158. [in Persian]
16. āfe-e Abru, Abd-Allāh bin Lof-Allāh. Zbdhaltvarykh, Volom1. edition: Haj Seyyed Javadi. Tehran: Press the Ministry of Culture and Islamic Guidance, 2002, 266.
17. Emdad, Hassan. History of Education in the Fars (from ancient times to the contemporary period), Shiraz: Navid, 2007, 172-182. [in Persian].